

## “طرح مبارزه با بد حجابی” و پاسخ جوانان مبارز و

### واحد های گارد آزادی

نظاره گر بود که زنان و دختران در خیابان و کوچه های شهر مورد این بی حرمتی قرار بگیرند. مشتی جانی و جنایتکار باز هم به جان زنان افتاده اند. در برابر این طرح ها مقاومت بیشتر میشود و بیزاری از حکومت اسلامی گسترده تر میشود. باید این مقاومت و بیزاری را سازمان بدهیم، گروه های جوانان مبارز باید دست بکار عقب زدن این حمله باشند. واحد های گارد آزادی بعنوان مدافعان سرسخت حقوق زنان باید در کنار این مبارزه جوانان نیروهای سرکوبگر را تنبیه کنند. ص ۴



اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

حمله به زنان بخشی از برنامه همیشگی رژیم اسلامی برای برقراری و حفظ خفقان و سرکوب در جامعه بوده است. وحشیگری بر علیه زنان، حمله به آنها تحت نام بد حجابی یکبار دیگر فضای شهرها را در بر گرفته است. توهین و جرمه، مضروب کردن و تحقیر زنان و از این طریق سرکوب مردم متمدن و مبارز هدفی است که رژیم دنبال میکند. به این وحشیگری باید پاسخ داد. نباید

## کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق

های خود را در شهر و مناطق جنوب و مرکز عراق بجا گذاشته و به این گوشه مملکت پناه آورده اند تا نان و سرپناهی بیابند و یا کمک خرجی برای خانواده هایشان تامین کنند. شرایط کار و زندگی این بخش از کارگران به شدت طاقت فرسا و همراه با فقر و فلاکت بی حد و حصر است. اکثر این کارگران در ساختمانهای نیمه کاره و یا در حاشیه جاده های کمربندی شهر و یا در خیابانها و کوچه پس کوچه های مرکز شهر، روی کارتن میخوابند و زندگی حقارتباری دارند. ص ۲



مظفر محمدی

در یک دهه اخیر به دلیل رونق صنعت ساختمان سازی در کردستان عراق و به یمن پولهای باد آورده و رشد قارچی میلیونرهای وطنی، هزاران کارگر از مناطق عرب نشین عراق و کشورهای همجوار از جمله ترکیه و ایران و حتی کشورهای دورتر به شهرهای کردستان عراق از جمله شهر سلیمانیه وارد شده اند. کارگران عرب زبان، فراری از جنگهای قومی و مذهبی داخلی و اسیر بیکاری و فقر، خانواده

## سیاست باز سناریوی سیاه

(نگاهی به مصاحبه اخیر عبدالله مهدی)

ایران و کردستان با وضوح بیشتری مشخص میکند. کاراکتری که از بدو پیدایش باند زحمتکشان ما مداوما در مورد آن روشنگری کرده ایم. عبدالله مهدی فرصت خلوت کردن با دو وبلاگ نویس آمریکایی و شاید دو مامور سیا و پنتاگون را غنیمت شمرده تا بی محابا آمادگی خود و سازمانش را برای انطباق با پروژه های سیاه مورد نظر دولت سوپر راست آمریکا را در ایران بر شمرد. ص ۳



رحمان حسین زاده

در شماره ۱۳۹ نشریه اکتبر بخشی از مصاحبه عبدالله مهدی با دو فرد آمریکایی به نامهای توتین و پاتریک را به همراه اظهار نظر رفیق جمال کمانگر منتشر کردیم. اظهارات عبدالله مهدی در این به اصطلاح مصاحبه، کاراکتر وی و سازمان متبوعش را در معادلات سیاسی مربوط به جامعه

پنجمین ما  
منتشر میشود

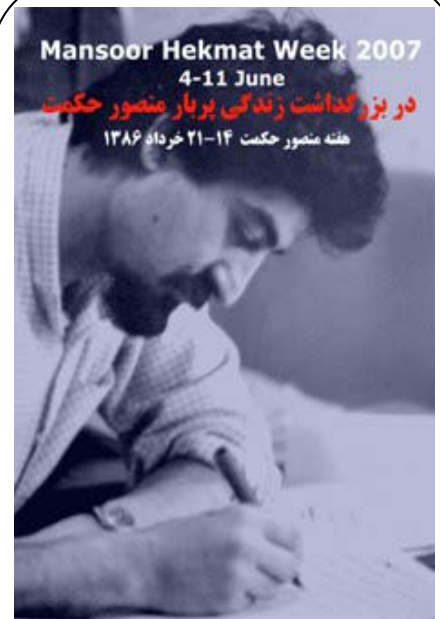
# اکتبر ۱۴۲

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۳ خرداد ۱۳۸۶ - ۲۴ مه ۲۰۰۷

سر دبیر: رحمان حسین زاده  
husienzade\_r@yahoo.com  
دستیار سردبیر: پری زارع  
Pari.zarea@gmail.com

www.oktoberr.org



اساس سوسیالیسم انسان است،  
سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به  
انسان است.

\*\*\*

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،  
بدون امید سوسیالیسم،  
بدون “خطر” سوسیالیسم،  
به چه منجلائی بدل میشود!

منصور حکمت

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

رژیم در مقابل اراده متحد ما به زانو در خواهد آمد

ص ۴

مرگ پر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

**کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق**

... در بهترین حالت هر چند نفر در یک اطاق کوچک مسافرخانه یا کاروانسراهای قدیمی و زوار در رفته اسکان دارند. زندگی این بخش از کارگران مهاجر یادآور فراریان و مهاجران دوران جنگ جهانی و جنگهای منطقه ای است. دستمزد این کارگران بسیار ناچیز و در حد بخور و نمیر است و در بهترین حالت کفاف کرایه خانه دستجمعیشان را نمیدهد. علاوه بر استثمار سرمایه داران و یا کینه توزی گزایشات ضد عرب در میان بخشهای عقب مانده جامعه، این کارگران از جانب کارگران محلی و همسرنوشت خود نیز تحقیر میشوند و به علت کار ارزان و بیحقوقی که به آنها تحمیل شده مورد سرزنش قرار میگیرند.

در یک کلام زندگی برای این بخش از کارگران مهاجر فقط برای زنده ماندن و نمردن از گرسنگی است. تنازع بقا است.

بخش بزرگ دیگر کارگران مهاجر از کشور همسایه یعنی ایران می آیند. در آغاز سیلی از کارگران مهاجر ایرانی بخصوص در شهرها و مناطق کردستان ایران به کردستان عراق سرازیر شدند. نیاز به نیروی کار و بخصوص کارگر فنی و متخصص در امور صنایع ساختمان باعث این روی آوری شد. شرکتهایی که کارشان وارد کردن این کارگران است به صورت دلال بین کارگران و صاحبان شرکتهای ساختمانی بزرگ و سرمایه داران محلی در کردستان عراق عمل میکنند. شرکتهای دلال کارگران را اساسا از شهرها و مناطق کردنشین ایران جمع آوری و نامنویسی کرده و در ازای مبلغی که از آنها میگیرند کارورود قانونی و اقامت موقت آنها را انجام داده و سپس تحویل صاحبکاران میدهند. همین شرکتهای هر هفته و یا ماه مجددا در ازای مبلغی اقامت کارگران را تمدید مینمایند. درآمد این شرکتهای از قبل این کار که در واقع نوعی خرید و فروش انسان است، ماهانه دهها هزار دلار است.

شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر ایرانی خیلی بهتر از دیگر کارگران مهاجر نیست. کار این کارگران تابع هیچ موازین و قانون کار و یا مزایا و بیمه و امنیت و غیره نیست. اکثریت این کارگران بخصوص کارگران فنی، کار کنتراتی میکنند و ساعات کار و استراحت و تعطیلی با حقوق و غیره معنایی ندارد. محللهای زندگی این کارگران اساسا همان محل پروژه های در حال ساختمان و در میان گچ و سیمان و سنگ و آهن پاره ها است. در هر محل کار دهها کارگر در یک یا دو اطاق بدون

درب و پنجره وبدون بهداشت و امنیت و فاقد هر گونه امکانات زندگی به صورت دستجمعی زندگی میکنند. هر جمع کارگری نیز تحت سرپرستی یک سر کارگر فنی و یا پیمانکار جزء کار میکنند. پرداخت حقوق کارگران تابع افت و خیز کار و یا مصلحت کارفرما و صاحب کار است و هیچ حساب و کتابی ندارد. کارگران فنی و پیمانکاران گاه بابت کار خود و کارگران تحت سرپرستیشان مدتها بولی دریافت نمیکند و دستمزدشان به تعویق افتاده و گاه در پایان کار پرداخت نمیشود.

کل کارگران مهاجر چه از مناطق عرب نشین عراق و چه از کردستان ایران و کشورهای دیگر همجوار فاقد تشکل و حق اعتصاب و یا قوانین ناظر بر کار خود هستند. در مورد شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق میتوان کتابها نوشت و تصویر واقعی از زندگی آنها برای هر ناظری، تکانهنده است. جالب این است که کارگران مهاجری که از کردستان ایران می آیند هنوز درآمد ناشی از کار در کردستان عراق را بهتر از کار در مملکت خود میدانند. به همین دلیل است که این کارگران خانه و کاشانه و خانواده خود را رها کرده و ماهها رنج دوریشان را تحمل میکنند تا بلکه با پس انداز ناچیزی کمک خرجی برای خود و خانواده ها و فرزندانشان برگردند.

میزان کار در این صنایع نیز دایما در افت و خیز است و اخیرا جز کارگران ماهر و فنی کار، شانس کار برای کارگران ساده کمتر شده است.

برخورد به کارگران مهاجر در مراکز پلیس و ادارات بهنگام تقاضای اقامت و یا تمدید آن و غیره بسیار تحقیر آمیز و گاه به دلیل کشدار بودن این پروسه روزها به دنبال حل این مساله بیکارو سرگردان میشوند.

کارگران مهاجر در کردستان عراق به تشکل خود نیاز دارند. در بهترین حالت اگر کارگران محلی تشکل مستقل کارگری خود را داشتند این کارگران میتوانستند به عضویت آن در آمده و شرایط بهتر کار و زندگی ای به کارفرماها تحمیل کنند. اما ظاهرا این کار غیرممکن شده است. کارگران مهاجر خود میتوانند صاحب تشکل خود شوند. میتوانند اتحادیه کارگری تشکیل دهند و یا هیاتهای نمایندگی منتخب مجامع عمومی هر بخش و محل کار را تعیین کنند و از حقوق خود در مقابل اجحافات و سوء استفاده کارفرماها و دلالان کارو ... دفاع کنند.

علاوه بر آن با ایجاد مراکز کاربایی میتوان جلو سوء استفاده شرکتهای دلال را گرفت و دکان آنها را تعطیل کرد. این کارگران بطور قانونی وارد

کردستان عراق میشوند و ثبت نام آنها در مراکز کاربایی و اقامت آنها و امنیت زندگی و قوانین ناظر بر کارشان را احزاب حاکم باید تامین کنند. شرط تضمین و تامین چنین مراکزی برای کارگران مهاجر کماکان وجود درجه ای از اتحاد و تشکل و انتخاب نمایندگانشان است.

**شروع بکار تلویزیون هر روزه پرتو**

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از تلویزیون کانال ۶ (روی ماهواره هات برد Hotbird پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک مزب مکتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است. مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8  
Orbital Position: 13 degrees East  
Transponder: 14  
Downlink Frequency: 11 470  
Downlink Polarity: Vertical  
FEC: 5/6  
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۳:۰۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر (روی همین کانال تکرار) خواهد شد. علاوه بر این (روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۳:۰۰ تا ۸:۳۰ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

**روابط عمومی کمیته کردستان حزب حکمتیست**

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

**سیاست باز سناریوی سیاه**

قطب نما ، همگامی با آمریکا

از مدتها قبل فدرالیستهای کردستان ایران و از جمله باند زحمتکش قطب نما حرکت خود را بر اساس انطباق با سناریوی مورد نظر آمریکا در رابطه با ایران طرح ریزی کرده اند. آرزوی اجرای نقشه نظامی سیاه آمریکا همانند آنچه که در عراق اتفاق افتاده را در سر میپروارند. خود را برای انطباق با چنین نقشه ای و رسیدن به فدرالیسم و نان و نوایی آماده میکنند. در این راستا و در این مصاحبه عبدالله مهتدی به قول خودش المنتهای سیاسی را مورد نظر دارد که باب طبع سیا و پنتاگون برای ایفای نقش به عنوان نیروی دنبالچه دخالت نظامی در ایران است. او به هر قیمت میخواهد دل این دو مامور آمریکایی را به دست آورد ، تا نقش لابی جریانش را در کریدورهای پنتاگون ایفا کنند.

المنتهای سناریوی مورد نظر آمریکا

به خدمت پذیرفته شدن هر جریانی در سناریوهای سیاهی که سردمداران کاخ سفید و پنتاگون در دوره نظم نوین جهانی اجرا کرده اند، مختصاتی را میطلبد. همانند آنچه در یوگوسلاوی و بالکان، عراق و افغانستان دیدیم. سناریوی سیاه آمریکا بر شکافهای عقب مانده و کینه و نفرت قومی و مذهبی، بر قوم پرستان و نژاد پرستان همگام با نقشه های جنگ و کشتار و خانه خرابی و ویرانی ، و بر دارودسته های نظامی همچون ارتش آزادیبخش کوسوو و رشید دوستومهای افغانستان و المهدیهها و فدرالیستهای عراق سرمایه گذاری میکند. عبدالله مهتدی این المنتهای باب طبع پنتاگون را میشناسد و آگاهانه چنین مختصاتی را از خود عرضه میکند. مولفه های این مختصات قابل توجه است. عبدالله مهتدی در این مصاحبه نشان میدهد به خوبی به نیاز آمریکا بر شکافهای قومی و مذهبی آگاه است. در همین رابطه بر خلاف حقیقت پایه ای ۲۸ ساله مبنای جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان، این تصویر را میدهد که جنگ جمهوری اسلامی در کردستان "هم سیاسی و هم قومی و هم مذهبی است". و میفرمایند ، جامعه کردستان ایران "سه مذهب عمده دارد" و جناب مهتدی سیمای جامعه کردستان را با دسته بندی مذهبی و قومی توضیح میدهد. همچنین از این ناله میکند که جغرافیای کردستان ایران را در "چهار استان ایلام و آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاه" تجزیه کرده اند، و لاجرم همانند تمام ناسیونالیستها مرتجع و افراطی و فدرالیست امروزی نسخه جنگ

بر سر جغرافیا و سرزمین و آب و خاک را در شیپور میدمند و آمادگی ظرفیت جنگیدن در این راستا را از خود نشان میدهد. اما مهتدی میداند اگر ماموران آمریکایی بخواهند او و سازمانش را در کاراکتر کماندوهای جنگ قوم پرستانه جدی بگیرند، لازمست تعلق او را به سابقه و ریشه قومی و نژادی کردی محکمتر بدانند. بیعت کردن با محمد امین زکی "کرد" صاحب مقام عالیترتبه دولت عثمانی و از نظر مهتدی پدر "آغاز بیداری کردها" و شکواییه مهتدی از اینکه در ترکیه "قومیت ما و نژاد ما" انکار میشود، همه اجزای دادن تصویر قوم پرستانه و نژاد پرستانه از خود و جریانی است که نمایندگیش میکند. این سابقه و این تصویر آنجا تکمیل میشود که اعلام میکند "پدر من عضو حزب دمکرات کردستان و در جمهوری مهاباد عضو کابینه قاضی محمد و وزیر بود". در ارائه تصویر قوم پرستانه، سابقه چپ گرایی و ضد امریکایی گذشته مهتدی بر این تصویر جدید سنگینی کرده و اوبال گردن او شده است. مهتدی در پیشگاه این دو مامور آمریکایی صریحتر از هر زمانی میخواهد این سابقه را از گردن خود واکنند. به همین دلیل در بطن یکی گرفتن حامدانه کمونیسم و نظام حاکم کره شمالی توسط مامور آمریکایی، مهتدی فرصت را بلعیده و خجولانه توضیح میدهد که زمانی "بخشی از حزب کمونیست ایران بوده اند و متوجه شدیم اشتباه بود و انشعاب کردیم" و سپس با کینه و پررویی "حزب کمونیست ایران و کومه له" را "یک حزب شپشو و اکیبری" معرفی میکند. و در ادامه سنگ تمام میگذارد و میگوید "در دهه هفتاد تحت تاثیر جنیش ضد جنگ ویتنام ضد آمریکایی بودیم، متأسفم!" اظهار تاسف بیشرمانه مهتدی بی مایه، تأثرتوتین و پاتریک را بر می انگیزد و هر دو دلداریش میدهند که "اشکالی ندارد، شما چپ گرا بودید و ما انتظار موضع دیگری نداشتیم" و پاتریک برای مهتدی توضیح میدهد که "پدر من هم همان زمان شدیداً علیه بعضی جنبه های سیاست آمریکا بود". در این مصاحبه مهتدی آگاهانه و سنجیده ، هر جمله و کلمه ای را انتخاب کرده است ، تا به عنوان عنصر و جریان منطبق با سناریوی سیاه آمریکا معرفی شود. برای کسب موقعیت جدید در بارگاه آمریکا در تف کردن به گذشته ضد امریکایی خود گوی سبقت را از همه هم سرنوشتان مشابه خود در همین دهه برده است، بدون اینکه چشم انداز رسیدن به نان و نوایی را داشته باشد. اما در این رابطه مهتدی و جریانش با دو مشکل روبرو هستند. اول اینکه

بر سر جغرافیا و سرزمین و آب و خاک را در شیپور میدمند و آمادگی ظرفیت جنگیدن در این راستا را از خود نشان میدهد. اما مهتدی میداند اگر ماموران آمریکایی بخواهند او و سازمانش را در کاراکتر کماندوهای جنگ قوم پرستانه جدی بگیرند، لازمست تعلق او را به سابقه و ریشه قومی و نژادی کردی محکمتر بدانند. بیعت کردن با محمد امین زکی "کرد" صاحب مقام عالیترتبه دولت عثمانی و از نظر مهتدی پدر "آغاز بیداری کردها" و شکواییه مهتدی از اینکه در ترکیه "قومیت ما و نژاد ما" انکار میشود، همه اجزای دادن تصویر قوم پرستانه و نژاد پرستانه از خود و جریانی است که نمایندگیش میکند. این سابقه و این تصویر آنجا تکمیل میشود که اعلام میکند "پدر من عضو حزب دمکرات کردستان و در جمهوری مهاباد عضو کابینه قاضی محمد و وزیر بود". در ارائه تصویر قوم پرستانه، سابقه چپ گرایی و ضد امریکایی گذشته مهتدی بر این تصویر جدید سنگینی کرده و اوبال گردن او شده است. مهتدی در پیشگاه این دو مامور آمریکایی صریحتر از هر زمانی میخواهد این سابقه را از گردن خود واکنند. به همین دلیل در بطن یکی گرفتن حامدانه کمونیسم و نظام حاکم کره شمالی توسط مامور آمریکایی، مهتدی فرصت را بلعیده و خجولانه توضیح میدهد که زمانی "بخشی از حزب کمونیست ایران بوده اند و متوجه شدیم اشتباه بود و انشعاب کردیم" و سپس با کینه و پررویی "حزب کمونیست ایران و کومه له" را "یک حزب شپشو و اکیبری" معرفی میکند. و در ادامه سنگ تمام میگذارد و میگوید "در دهه هفتاد تحت تاثیر جنیش ضد جنگ ویتنام ضد آمریکایی بودیم، متأسفم!" اظهار تاسف بیشرمانه مهتدی بی مایه، تأثرتوتین و پاتریک را بر می انگیزد و هر دو دلداریش میدهند که "اشکالی ندارد، شما چپ گرا بودید و ما انتظار موضع دیگری نداشتیم" و پاتریک برای مهتدی توضیح میدهد که "پدر من هم همان زمان شدیداً علیه بعضی جنبه های سیاست آمریکا بود". در این مصاحبه مهتدی آگاهانه و سنجیده ، هر جمله و کلمه ای را انتخاب کرده است ، تا به عنوان عنصر و جریان منطبق با سناریوی سیاه آمریکا معرفی شود. برای کسب موقعیت جدید در بارگاه آمریکا در تف کردن به گذشته ضد امریکایی خود گوی سبقت را از همه هم سرنوشتان مشابه خود در همین دهه برده است، بدون اینکه چشم انداز رسیدن به نان و نوایی را داشته باشد. اما در این رابطه مهتدی و جریانش با دو مشکل روبرو هستند. اول اینکه

آمریکا و نقشه هایش در خاورمیانه و در عراق به بن بست رسیده است و دامنه عمل مظهر امید مهتدی در رابطه با ایران محدود شده است. به گفته خود مهتدی آمریکا "سیاست روشنی برای کردستان ایران ندارد" و دوم اینکه مهتدی نمیخواهد بفهمد که الگو برداری از روند وقایع کردستان عراق برای کردستان ایران اشتباه است و من این را یکسال قبل به هنگام سفرشان به همراه مصطفی هجری به آمریکا به ایشان اینچنین یاد آور شدم. ".... کمونیسم و چپ و رادیکالیسم جامعه کردستان ایران بزرگترین مانع تحقق رویاهای انگلی هجری - مهتدی و هر دو جریان تحت مسئولیتشان است. هر دو خوب میدانند بر خلاف کردستان عراق در سه دهه اخیر هیچگاه صحنه سیاست کردستان ایران و تناسب قوای آن اجازه یکه تازی به ناسیونالیسم کرد نداده است. اینبار نیز چنین اجازه ای نخواهند داشت. آنان خوب باید بدانند سرنوشت آن جامعه را با جنگ و موشک و بمب آمریکا و وصل شدن به آن و در کریدورهای پنتاگون نمیتوان رقم زد. اینجا کمونیسم قوی و قدرت چپ جامعه و توده مردم آگاه اراده و نقش فعال و سازنده تاریخ خود را میتوانند ایفا کنند".

عبدالله مهتدی : سیاست بازی دون پایه  
مصاحبه اخیر مهتدی با دو مامور و یا وبلاگ نویس آمریکایی واضحترا از هر زمان شخصیت و کاراکتر سیاسی وی را زیر نور افکن میگردد. مهتدی استاد معلق زندهای اپور تونیستی و چرخشهای هر از چند گاهی و اظهار نظرهای حقیرانه و نفرین گذشته چپ خود است. در مقاطع مختلف و صرفنظر از جایگاه او در صف بندی سیاسی ، زیگزآگها و نوسانات او چهره یک عنصر بی ثبات و بی پرنسیب و غیر قابل اعتماد را حتی در همین جنیش ناسیونالیستی کرد از او به دست داده است. مهتدی سیاستمدار نیست ، بلکه یک "سیاست باز" است. سیاست بازی که بنا به مصلحت روز و ضربدر دست و پا کردن موقعیت شخصی و با اتکا به سنت عقب مانده و شرق زده هر از چند گاهی "تابلوی سیاستش" را عوض میکند و نکته اینجا است که اصرار هم دارد، در همه این نوسانات و فراز و نشیبها و دورانیهای مختلف سیاستمدار قلمداد شود. مصاحبه اخیر او با دو وبلاگ نویس آمریکایی به تمام معنا چهره یک سیاست باز سناریو سیاهی و اپورتونیست را از وی و سازمان متبوعش ترسیم کرده است. چنین عناصر و جریانات سناریو سیاهی را لازمست افشاء و منزوی کرد. صف آزادبخوانه مردم این را تضمین میکند.

از صفحه ۱

**” طرح مبارزه با بدحجایی“**

کردن مانتوها، محو کردن رنگهای شاد، جمع و لازم است در برابر این دست درازی ها به جوانان جور کردن روسری ها و برای ادامه این حققان، بایستند و آنها را عقب بزنند. بچه های محل نباید سرکوب و جلوگیری از اعتراضات مردم است. بیش از این نظاره گری را تحمل کنند. مردمی که کارگران یا بیکارند و یا با قرار داد های موقت و شاهد صحنه گیر دادن نیروهای رژیم به زنان سفید در گیرند، میلیونها نفر بیکارند و یا اخراج هستند باید وارد عمل شوند.

شده و دنبال راه و چاره ای هستند. رهبران و واحد های گارد آزادی در کنار این مبارزه اند. ما فعالین کارگری را دستگیر و زندانی میکنند، در هر نوع دست درازی به حقوق مردم را تحمل صدد سرکوب مبارزه حق طلبانه معلمان هستند، نمیتوانیم بکنیم. هر نوع ستم بر زنان و هر نوع زنان مرتبا تهدید و تحت تعقیب قرار میگیرند، وحشیگری و از جمله به دلیل بدحجایی باید با سد دانشجویان را از هر گونه اعتراض و تشکلی گارد آزادی روبرو شود. افراد ودسته های اوباش و میخوانند منع کنند و همه اینها طرح رژیم و سران آن برای سرکوب و ایجاد خفقان از این طریق را فراهم کرده اند باید مورد شناسایی و تنبیه است، آنچه که رژیم با آن متولد شده است. رفقای گارد آزادی قرار بگیرند. مبارزه هماهنگ در مقابل چنین وضعیتی راه حل این است که گروه های جوانان مبارز و گروه های آنها و واحد های گارد آزادی، در مقابله با این وضعیت برای به عقب اعتراض همه آزادخواهان و زنان و مردان مبارز بر راندن فضای رعب بر زنان در هر شهر میتواند علیه این وحشیگری تشکیل شوند. در هر محله و فضای مناسبتری را تضمین کنند. خیابانی، در هر مدرسه و دانشگاهی این گروه ها

... در کنار چنین وضعیتی که بر زنان میگذرد، رژیم با دانشجویان، کارگران و مردم ناراضی هم در گیر است. تلاش رژیم برای سرکوب و برقراری خفقان در جامعه است. رژیم اسلامی همچون همیشه معضل جدی برای جامعه و مردم است.

نباید نظاره گر حمله به زنان بود. نباید نظاره گر تحقیر جوانان از طرف اوباشان و لمپن های رژیم بود. لابد همه زنان و مردان مبارز و متمدن و همه کسانی که از وحشیگری رژیم بیزارند این صحنه ها را نمی پسندند. لابد همه جوانان مبارز با دیدن این صحنه ها و اعتراض دختران و زنانی که هدف این حملات قرار میگیرند میخوانند کاری نکنند و یا بعضا از مشاهده بی تفاوتی و یا مقصر دانستن زنان به اینک ”بیپانه“ دست رژیم میدهند بیزارند.

باید متوجه بود که این حملات بر زنان برای هر چه محدود کردن و سیاه پوش کردنشان و بلند تر

**اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست****رژیم در مقابل اراده متحد ما به زانو در خواهد آمد**

جمهوری اسلامی بار دیگر تلاش میکند با سرکوب عریان اعتراض روزانه مردم را عقب زند. دوباره جیره گیران و نوکران حزب الهی خود را در خیابانها افسار گسیخته رها کرده است تا به جان زنان و جوانان بیفتند. زنان را دستگیر و به جرم نداشتن پوشش اسلامی تحقیر میکنند، میزنند و دستگیر میکنند. در دانشگاهها مزدورانشان برای مهار کردن اوضاع صف کرده اند، توطئه میچینند، به خوابگاهها سر میکشند، سعی میکنند همه جا بو کشیده و مخالفان توحش را بترسانند.

سران جنایتکار جمهوری اسلامی به این رضایت نمیدهند، فیلم و عکس سرکوبگریهایشان را در روزنامه و تلویزیون به مردم نشان میدهند تا به مردم درس عبرت دهند.

شکست سیاستهای دولت آمریکا در عراق و منطقه و دست بالا پیدا کردن جمهوری اسلامی و باندهای ترورش، قرار است حربه ای علیه مردم کارگر و زحمتکش در جامعه ایران باشد. میخواهد فضای ارعاب و ترس را بر جامعه گسترش دهد. میخواهد به مردم جهان در بیرون از مرزها هم نشان دهد که در مقابل مردم هم مقتدر است. میخواهد از فرصتی که در سایه سیاست ارتجاعی دولت بوش و بلر برایش ایجاد شده، برای مرعوب کردن مردم و ادامه حاکمیت ضد انسانی خود استفاده کند. میخواهد حکومت اسلامی خود را از شر مردمی که کمر به نابودی جمهوری اسلامی بسته اند خلاص کند.

جمهوری اسلامی خیال کرده است، مردم ایران جامعه عراق را دیداند، ۳۰ سال است سایه شوم حکومت اسلامی را تجربه و با آن در جنگند. مردم مرعوب نخواهند شد. کارگران، زنان، جوانان و مردم معترض ایران به خانه های خود نخواهند رفت و سکوت و تمکین و سرافکنندگی را قبول نخواهند کرد. تا کنون هم از دانشگاه پلتنیک تا علامه، از مازنداران تا شیراز و مشهد، از میدان ۷ تیر تهران تا مراکز کارگری، هر اقدام رژیم با اعتراض و مقاومت مردم طرف شده است. رژیم همچنان در مقابل مردم موقعیت متزلزلی دارد. این موقعیت با سالها مبارزه و اعتراض و زندان و اعدام و خون دلخوردن ایجاد شده است. این دستاورد را جوانان و مردم مبارز راحت رها نخواهند کرد. مردم مبارز ایران، زنان و جوانان، تلاش میکنند این موقعیت را متزلزل تر کنند. میخواهند قدم به قدم جمهوری اسلامی را به سراسیمه سقوط نزدیک کنند. رژیم در مقابل اراده متحد ما به زانو در خواهد آمد.

۲۴ مه ۲۰۰۷ (۳ خرداد ۱۳۸۶)

**کمکهای مالی به کمیته کردستان و گارد آزادی**

جمع آوری کمک مالی از محل مراسم اول مه توسط روناک ناصری و جمال پیر خضرائیان	1640 کرون	جمع آوری کمک مالی از محل مراسم اول مه توسط روناک ناصری و جمال پیر خضرائیان	1640 کرون
جمال کمانگر	50 پوند	جمع آوری کمک مالی توسط روناک ناصری از رفقا و دوستان :	10288 کرون
فاطمه خضری	200 کرون	( کاکو 100 کرون، ی.ک 200 کرون، فرح.د 500 کرون)	
از محل کمک مالی رفقای بنووند	490 کرون	از محل کمک مالی رفقای بنووند	490 کرون
از محل کمک مالی توسط رسول بنووند	33300 کرون سوئد	از محل کمک مالی رفقای بنووند	490 کرون
م و ف - ج	1000 کرون	جمع آوری کمک مالی از محل مراسم اول مه توسط روناک ناصری و جمال پیر خضرائیان	1640 کرون
ف - ج	500 کرون	جمال کمانگر	50 پوند
فاطمه خضری	200 کرون	جمع آوری کمک مالی توسط روناک ناصری از رفقا و دوستان :	10288 کرون
جمع آوری کمک مالی توسط رسول بنووند	490 کرون	( کاکو 100 کرون، ی.ک 200 کرون، فرح.د 500 کرون)	
از محل کمک مالی رفقای بنووند	490 کرون	از محل کمک مالی رفقای بنووند	490 کرون